

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل سوم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل سوم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل سوم شخص مشاور

چه کسی باید مشاور باشد

همه ایمانداران باید مشاور برادران و خوه‌ران مسیحی خود باشند، ولی مشاوره مسیحی به عنوان خدمت ویژه و رسمی کلیسا (که به آن خوانده شده است) به کشیش و همکاران او تعلق می‌گیرد(۱). از نقطه نظر کلام خدا هیچ نیازی برای ایجاد دفتر روانشناسی در کلیسا وجود ندارد. بر طبق کلام خدا منشأ مسائل شخصی تنها سه نوع می‌باشند: شیطان صفتی (عمدتاً در تحت تسلط قرار داشتن)، گناه شخصی، و بیماری‌های جسمانی. این سه وابسته بهم نیز می‌باشند. همه امکانات در این سه خلاصه شده‌اند، و جایی برای نوع چهارم نیست (بیماری روانی)(۲). در نتیجه جایی در کلیسا برای روانشناس وجود ندارد. این صنف زمانی در کلیسا ایجاد شد که اصطلاحات پزشکی مربوط به بیماری‌های غیر جسمانی وارد کلیسا شد. طبیب خواصی؛ قسمتی طبیب (قسمت کوچکی) و قسمتی کشیش غیر روحانی(۳) (قسمت عمده)، ایجاد گردید تا کاری که مربوط به خدا است را در دست خود بگیرد(۴). من اینجا عقاید مدرن بیماری روانی را مورد بررسی قرار نخواهم داد. دیگران در این زمینه نوشته‌های خوبی ارائه داده‌اند(۵). در اینجا تنها دو مورد را متذکر خواهم شد: (۱) روانشناس باید به کار طبابت برگردد(۶)، و (۲) خادم خدا باید به کاری که از او گرفته شده بازگردد.

خدمتی که روانشناس در قلمرو طبابت می‌کند قابل ستایش است و کارشان در حال رشد نیز هست. شناخت تأثیرات شیمیایی بدن بر روی احساسات و رفتار، تازه شروع شده و آینده بسیار سودمندی را دارد. کشیشان مسیحی باید خوشحال باشند که روانشناسان کار خدمات غیر جسمانی را ترک کرده (البته تنها در آمریکا)، و کلیسا کاملاً به روح القدس توکل نموده است. خدمت برحق و مشروع روانشناس در خصوص کسانی است که مسائل جسمی دارند. در این رابطه نیز مشاور مسیحی باید حضور داشته باشد چون بسیاری از مسائل جسمی جنبه روحانی خود را نیز دارند. بعنوان مثال، اگر شخصی مبتلا به زخم معده باشد، پزشکی را لازم دارد تا صدمات جسمی را معالجه کرده و درمان را ایجاد کند. اما در همین حال مشاور مسیحی را لازم دارد رفتار گناه آلودی که باعث آن شده را از طریق کلام خدا جویا شده و پاک نماید. ممکن است دلیل ارتباط ناسالم با اشخاص دیگر ایجاد شک، گوشه‌گیری، و سایر مشکلات را کرده باشد.

مشاور مسیحی باید دست‌گذاری شده باشد

مشاور مسیحی باید توانائی (و اراده) انجام تمام کاری را که خدا بر او واگذار نموده داشته باشد. این کار، خدمت به مردان و زنانی است که از آزارهای زندگی گناه آلود رنج و آسیب دیده‌اند. موضوع کلام خدا محبتی است که عیسی مسیح به کلیسایش نموده و کلیسایش همان محبت را به همسایگانش ارزانی می‌کند (خلاصه احکام خدا). کشیش کسی است که برای اعلام خبر خوش خوانده شده، و کلام خدا را مسیر زندگی کسانی که روح القدس آن‌ها را احیا نموده می‌کند. او برای محبتی که ایماندار نسبت به خدا دارد اهمیت حیاتی می‌دهد. او باید کسی باشد که خدا خوانده که بعنوان کشیش/ معلم، فرزندان خدا را در راه نیکو هدایت کند و آن‌ها را از کلام خوارک رساند:

متی ۴

۴: عیسی در پاسخ گفت: «نوشته شده است که: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود.»»

وظیفه‌ی عالی که به او سپرده شده خدمتی است که کلام خدا از طریق وعظ و مشاوره گوسفندانی که خسته، درمانده، تشنه و گشنه، و سرگردانند، را به آغل برگرداند. این دو کار، وعظ و مشاوره، مربوط به نقشی است که کشیش و معلم روحانی دارند.

افسیان ۴

۱۱: و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلم،

منظور از وظیفه‌ی عالی کشیش و مشاور مسیحی این نیست که بقیه‌ی مسیحیان نباید کار مشاوره مسیحی را انجام دهند چون هر ایماندار عطایای خود را دارد. منظور این است که کشیش و مشاور مسیحی دفتر کار و خدمت خود را در کلیسا بدست آورند. در اینجا سؤالی که پیش می‌آید آن است که آیا ایمانداران می‌توانند خدمت مشاوره مسیحی را بدون دست‌گذاری انجام دهند یا نه؟ همان گونه که همه‌ی مسیحیان باید شهادت به ایمانشان دهند، که شامل اعلام غیر رسمی کلام خدا است (اعمال ۸: ۱ تا ۴)، همه‌ی مسیحیان باید مشاور یکدیگر نیز باشند. اما، همه‌ی مسیحیان برای خدمت مشاوره مسیحی در کلیسا خوانده نشده‌اند. او را به گونه‌ی خواصی خدا خوانده و از طریق کلیسا باید برای آن خدمت دست‌گذاری شود. کلام خدا می‌گوید تنها کسانی که واجد شرایط خدمت در دفتر مشاوره مسیحی کلیسا هستند می‌توانند رسماً چنین کاری را بعهده گیرند. این به آن معنی است که آنکه خدمت تمام عمر خود را در مشاوره مسیحی یافته، باید خود را آماده‌ی چنین کار بنماید و دست‌گذاری نیز بگردد. خدا ایمانداران را به خدمت دائم عمر می‌خواند و مشاوره مسیحی نیز یکی از خدمات کلیسا است.

یکی از بهترین برنامه‌های آموزشی مشاوره مسیحی را از طریق انستیتوی مشاوره نوتتیک می‌توان بدست آورد (۷).

منابعی که مشاور مسیحی به آن رجوع می‌کند عمداً کتاب مقدس، روح القدس، و کلیسا است. این خود نشان می‌دهد آن کسانی که مشاوره مسیحی را خارج از کلیسا و در دفاتر شخصی خود انجام می‌دهند از نام مشاور مسیحی سواستفاده کرده‌اند. مشاوره‌ی که خارج از کلیسا خدمت می‌کند مسیحی نیست، چون کلیسا است که اعتبار و قدرت انجام کارهای مربوط به خدا را در دست دارد. بدن عیسی است که فعالیت‌های خدا را بجای می‌آورد، نه خود ایماندار. البته ایماندار مسئولیت خود را دارد، ولی کلیسا است که بدن عیسی مسیح را می‌سازد و زیر پوشش حفاظت و قدرت خدا است.

افرادی که برای خدمت مشاوره مسیحی خوانده شده‌اند می‌توانند بدون دست‌گذاری به خدمت ادامه دهند، اما در صورتی که آموزش لازم را کسب کرده باشند. اما باید طالب دست‌گذاری باشند و در این راه کوشش کنند.

صلاحیت مشاور مسیحی

صلاحیت مشاور مسیحی مانند صلاحیت خادم کلیسا است. سؤال اینجا است، ایمانداری که برای منظور خدمت مشاوره مسیحی دست‌گذاری نشده (جدا نشده)، می‌تواند چنین خدمتی را برای تمام عمر خود قبول کند؟ این سؤالی است که او باید از خود بکند.

من در کتاب دیگری در مورد صلاحیت مشاور مسیحی صحبت کرده ام (۸). آن را می توانم به این ترتیب در اینجا خلاصه کنم: شناخت وسیع از کلام خدا، حکمت روحانی، و نیک دلی نسبت به مردم (رومیان ۱۵: ۱۴ و کولسیان ۳: ۱۶). این سه، نشانه سه بعد از آنچه کلام خدا مقابله با گناه شمرده می باشند:

مقابله با گناه	صلاحیت مشاور
۱. تشخیص آنچه خدا می خواهد در ایماندار تغییر کند.	۱. دانش خواست خدا از طریق آیات کلام. (رومیان ۱۵: ۱۴ و کولسیان ۳: ۱۶)
۲. مقابله لفظی با استفاده از کلام خدا بخاطر ایجاد تغییر در روحیه و رفتار ایماندار.	۲. حکمت خدا در رابطه با ارتباط با دیگران (کولسیان ۳: ۱۶).
۳. مقابله با او به خاطر نفع او.	۳. نیت نیک و اهمیت دادن به بدن عیسی. (رومیان ۱۵: ۱۴)

متأسفانه بعضی مشاوران مسیحی تنها پس از موفقیت در امتحان الهیات و اداره کلیسا دست گذاری می شوند و خصوصیات شخصی آنها یا نادیده گرفته می شود و یا تصور می شود که وجود دارند. اما در تیتوس و اول تیموتائوس می بینیم تأکید بر خصوصیات شخصی بیشتر از دانش اصول الهیات شده (۹). شکی نیست که روش صحیح تری برای ارزیابی خوانده شدن و دست گذاری خادمین لازم است. این ارزیابی باید شامل شایستگی شخص مورد نظر در خصوص سه مورد مقابله با گناه ذکر شده نیز باشد (۱۰). علاوه بر این سه خصوصیات، امید و ایمان به عمل خدا نیز باید وجود داشته باشد. شخص با ایمان، وعده های خدا را قبول می کند. خدا در کلام وعده داده آنکه به گناهایش واقف شده و نسبت به آن توبه کرده، و همچنین در راه تازه خدا قدم بر داشته را تغییر خواهد داد. با داشتن ایمان به وعده های خدا، او امید برای تغییر را نیز خواهد داشت. بدون داشتن امید در عمل خدا، نخواهد توانست امیدی که کلام میسراند را بازگو کند (۱۱). او باید وعده های خدا را حتمی بداند تا بتواند شکست خوردگان و ناامیدان را در راه های مشکل خدا هدایت کند. در نتیجه آن تمرکز او بر راه حل های خدا خواهد بود و نه بر مسائل و مشکلاتی که انسان دارد.

اقتدار مشاور مسیحی

اقتدار روحانی در مشاوره مسیحی لازم است. تنها مشاوره مسیحی است که از چنین اقتداری برخوردار است. مشاور مسیحی که دست گذاری شده، از اقتداری که عیسی مسیح به کلیسایش داده برخوردار است.

اول تسالونیکیان ۵

۱۲: حال ای برادران، تقاضا می کنیم آنان را که در میان شما زحمت می کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می دهند، گرامی بدارید،
 ۱۳: و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می دهند، برایشان قائل باشید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید.

ولی از آنجا که اقتدار مورد سو استفاده قرار گرفته، باید صحبت بیشتری را جمع به هدف و محدودیت آن کرد. کلام خدا از دو نوع اقتدار صحبت می کند: اقتدار خدا و اقتدار انسان (اعمال ۵: ۲۹ – بجای انسان باید خدا را گوش بدهیم). خدا به کلیسا، خانواده، و دولت اقتدار داده، ولی این اقتدار ها نوعی نیستند که با

یکدیگر در تضاد باشند. در آیه یاد شده، کارمندان دولت پا فراتر از محدوده اقتدار خود گذاشته بودند. چنین خطایی تجاوز به محدوده خدا است. محدوده اقتدار خدا نیز در کلام ثبت شده است (رومیان ۱۲: ۱ تا ۷). مشاوران باید از اقتداری که خدا به آن ها داده استفاده کنند، ولی در حدود آنچه تعلق به آن ها است. محدوده اقتدار مشاور مسیحی را کلام خدا نشان داده و نتیجتاً نه اختیاری است، و نه ستم کار. مشاور مسیحی آنچه کلام گفته را باید با اقتدار تمام اعلام کند ("شما هیچ دلیلی برای طلاق گرفتن ندارید؛ اگر این راه را بروید گناه خواهید کرد"). اما نصیحتی که مطابقت با آن دارد را نیز باید به زبان آورد ("بهتر است برنامه مشاوره خانگی را ایجاد کنیم تا طریق ارتباط محبت آمیز را بی آموزید"). در خصوص نصایح، باید توجه داشت که عموماً برداشت شخصی مشاور می باشند و ممکن است اشتباه نیز باشند. امکان اشتباه بودن این نوع نصایح را باید پذیرفت، ولی به همان اندازه باید بر صحت کلام پافشاری کرد. گفت و گوی دور میز (مشاوره خانگی) می تواند طریق مفیدی باشد، و بر اساس کلام خدا نیز استوار باشد، ولی هیچ وقت نمی توان آن را دستور داد. اما کلام خدا را در محبت باید به زبان آورد و دستور داد. برای تمرین، گفته های زیر را در نظر بگیرید، و آنچه مناسب و نامناسب است را علامت گذاری کنید (آنچه نامناسب است را به گونه مناسب بنویسید).

۱. "این گناه را به خدا اعتراف کرده و آن را رها کن".
۲. "اتوموبیل را بفروش و مابقی بدهیت را بپرداز".
۳. "باید روزانه کلام خدا را مطالعه کنی و دعا کنی".
۴. "هر روز صبح باید نیم ساعت کلام خدا را بخوانی، و بیست دقیقه دعا کنی".
۵. "یکی از طرق اجرای حکم محبت به همسایه این است که صورتی از آنچه زن شما را خوشحال می کند فراهم سازید، و هر هفته یک مورد از آن را اجرا کنید".
۶. "شما باید رابطه همجنس بازی را همین امروز قطع کنید".
۷. "دارو های افسردگی کمکی به شما نمی کنند؛ دیگر آن ها را استعمال نکنید".
۸. "انگرنی شما باید قطع شود؛ شما باید بیاموزید توجه خود را بجای آینده به امروز بگذارید".
۹. "سعی کنید تا هفته آینده صرفشویی خود را انجام داده باشید".
۱۰. احکام خدا را اطاعت کنید، چه احساس خوبی نسبت به آن دارید یا ندارید" (۱۲).

مشاوران مسیحی باید هدایت کننده باشند

در عهد جدید کتاب مقدس، واژه ای که برای مشاور بکار برده شده (nouthesia) "هدایت در راه کلام" می باشد. در عهد قدیم نیز معنی آن "نصیحت کردن و هدایت کردن" است (۱۳). اما در دوران مدرن امروزه برداشتی که از مشاوره می شود تنها جنبه گوش دادن را به خود گرفته است. امروز صحبت از مشاوره ای می شود که هدایت کننده به جانبی ندارد (آزادی). این عنوان روجریین "Rogerian" (۱۴) می باشد و کاملاً با آنچه کلام خدا می گوید مغایرت دارد. کلام خدا هدایت کننده است.

شخصیت مشاور مسیحی

آیا نوع مشاوره ای که هدایت کننده است، شخصیت بخصوصی را لازم دارد؟ به عبارت دیگر، آیا طریق عمل مشاوره ای که مقابله با گناه می کند، ارتباط مستقیم با شخصیت مشاور دارد، یا تنها بر اساس

صلاحیت های نام برده شده می باشد؟ آیا طریق عمل شخص را می سازد، یا شخص طریق عمل را؟ اگر شخصیت عامل اصلی پشت پرده مشاوره باشد، نتیجتاً صلاحیت های نام برده و طریق انجام کار بستگی به امر الهی ندارد. نمی توان اساس آن ها را بر کلام خدا استوار نمود، و اقتدار لازم را نیز نخواهد داشت. خلاصه، اگر شخصیت مشاور عامل اصلی است، این کتاب فایده ای برای شما ندارد.

آنچه باید به هر قیمتی نگاه داشت صلاحیت و اعتباری است که کلام خدا در مشاوره مسیحی داده است (۱۵). تنها بر اساس پیش فرض های کلام خدا است که مشاوره صحیح می تواند انجام گیرد، و این اصولی است که برای همه مشاوران مسیحی صدق می کند. طرق عمل ممکن است مختلف باشند، ولی اساسشان که قسمت عمده آن ها نیز خواهد بود، یکسان است.

البته این همبستگی شخص با اصول کار، تنوع را در طرق عمل مشاوره مستثنی نمی کند (۱۶). همان طور که در موعظه طرق مختلف وجود دارد، در مشاوره مسیحی نیز طرق مختلف زیاد است. شخصیتی که خدا ایجاد نموده کاملاً قابل قبول می باشد (۱۷).

اما از آنجایی که پیام خدا اقتدار خود را دارد، مشاور مسیحی مانند واعظ باید شخصیت خود را با پیام وفق دهد و نه پیام را مطابق با شخصیت خود نماید. اقتدار از خدا است نه از انسان. با وجود آنکه با روش مختلف عنوان می گردد، اقتدار اساسی خدا باید در تمام جلسات مشاوره مسیحی آشکار باشد. هر نوع شخصیتی که مخالف پیام باشد باید تغییر کند. بخاطر همین بود که خدا پطرس را از شخصی ضعیف، ترسان و دودل، تبدیل به پیامبری بی باک و پر قدرت نمود تا بتواند بگوید، "خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال ۵: ۲۹) (۱۸). هر چه مشاور مسیحی کلام خدا را با ایمان بیشتری خدمت کند، بیشتر مطابق آن نیز خواهد شد.

ممکن است مشاور برای ادامه خدمت خود نیاز تغییر بنیادی را در خود ببیند (۱۹). ما در انستیتوی مشاوره نوتتیک (nouthetic) شاهد چنین تغییراتی در دانشجویان خود بوده ایم. دانشجویان دوره مشاوره مسیحی نه تنها شهادت داده اند که تحصیلاتشان تغییر بزرگی در شخصیشان پدید آورده، بلکه در طول سال های خدمت خود شاهد کار های عظیم خدا در زندگی و ازدواج خود نیز بوده اند. هر جا که روح القدس در کار بوده، تغییرات مؤثری را بوجود آورده. انسان تغییر می کند، و خدا می تواند این تغییر را در همه ایجاد کند. پطرس و پولس تغییر کردند؛ شما نیز می توانید تغییر کنید. "پاکسازی" (تغییر شخصیت به جانب نیکی) کار روح القدس است که با کار برد کلامش آن را انجام می دهد.

دانشجویی در اولین روز کلاس می گفت، "من هیچ وقت نخواهم توانست این گونه با مردم صحبت کنم؛ چنین امکانی در من نیست". او تشویق شد صبر کند تا شاهد کار خدا باشد. چند هفته بعد خود نیازمند مشاوره شد و پس از چند جلسه شخصیت او تغییر کرد. دوره آموزش باعث تغییر در شخصیت او شد و تأثیر بزرگی در خدمت او وارد نمود.

بر اساس ایمان به آن که روح القدس می تواند هر ایماندار را تغییر دهد، باید توکل بر آن داشته باشیم که هر ایماندار که به خدمت خدا خوانده شده، هدیه لازم را نیز دریافت کرده، و نتیجتاً توانائی انجام کار را دارد. هدایایی که برای خدمت مشاوره مسیحی لازم می باشند دقیقاً همان است که کشیش لازم دارد. البته ممکن است تغییراتی در او لازم باشد، ولی همه امکان پذیر هستند. او باید تغییر را در خود بپذیرد تا بتواند انتظار تغییر را در ایمانداران دیگر داشته باشد. مشاور می تواند تغییر و تحول خدا را چشیده، بیشتر اشتیاق دیدن آن را در دیگران خواهد داشت. در حقیقت هر ایماندار که به خدمت مشاوره مسیحی خوانده شده شاهد تغییراتی در خود خواهد بود (۲۰). نیاز های کار مشاوره به حدی می باشند که هیچ کس نمی تواند با قدرت خود آن ها را انجام دهد. او نمی تواند آنگونه که هست بماند.

فهرست زیر نویس های فصل سوم

- (۱) به فصل اول کتاب "The Big Umbrella" رجوع نمائید.
(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۲) Clyde Narramore انسان را به قسمت های بدن (پزشک)، روح (کشیش)، و جان (روانشناس) تفکیک کرده و این کار مطابق با کلام خدا نیست. تقسیم انسان به سه بخش مختلف از تفسیر اشتباه آیه اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ گرفته شده. در این آیه پولس با استفاده کلمات بسیار سعی می کند تمرکز را بر "تمامیت" انسان کند و نه او را به قسمت های مختلف تقسیم نماید. عیسی مسیح نیز به همان طریق گفت خدا را "با تمام دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود" محبت کنیم (مرقس ۱۲: ۳۰). کلام خدا کلمات جان (pseuche) و روح (pneuma) را با یک دیگر تبدیل پذیر دانسته و همان گونه از آن استفاده کرده است. در لوقا ۱: ۴۶ و ۴۷ این دو در موازات با هم استفاده شده اند.
- (۳) The Modes and Morals of Psychotherapy نوشته Perry London صفحه ۱۵۶
- (۴) قبل از فروید Freud و شارکت Charcot، خادمین خدا راجع به موضوعاتی مانند افسردگی Melancholia کتاب ها منتشر می ساختند.
- (۵) خادمین مسیحی و روانشناسان دو هدف مشترک دارند. هر دو طالب تغییر رفتارند، و هر یک این کار را از طریق ارزش، روحیه، و رفتار انجام می رسانند. اما خدا چنین کاری را بعنوان خدمت دائم عمر به خادمین خود سپرده و نه به کسان دیگر.
- (۶) روانشناسان در حقیقت طبیب نیستند چون کسانی را که طبابت می کنند در واقع بیمار نمی باشند:
The Modes and Morals of Psychotherapy نوشته Perry London صفحه ۱۵۳
- (۷) انستیتوی مشاوره نوتتیک مدرسه تعلیم مشاوره مسیحی به طریق مکاتبه (dvd). از طریق این آدرس اینترنت می توانید با آن تماس بگیرید (www.nouthetic.org). البته دروس دوره مشاوره مسیحی تماماً به زبان انگلیسی است، ولی به خواست خدا و یاری روح القدس تمام کتب درسی و dvd های مربوطه بزودی به زبان فارسی دوبله و ترجمه خواهند شد.
- (۸) صلاحیت مشاور مسیحی "Competent to Counsel"، نوشته جی آدامز.
(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۹) تیتوس ۱: ۶ تا ۹ و اول تیموتاوس ۳: ۱ تا ۷. من نیز مانند پولس اهمیت زیادی به شناخت و تربیت اصول الهیات می دهم. اما واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که امروزه تأکید بیشتری بر آن است تا آنچه در عهد جدید کتاب مقدس می بینیم.
- (۱۰) اینجا صحبت من راجع به وعظ و تعلیم نیست، بلکه دو مورد می باشد که جدا از هم نیستند، یعنی خصوصیتی که خادم را قادر به وعظ کردن می کند، و باز کردن کلام بخاطر مقابله با گناه.
- (۱۱) "The Big Umbrella"، نوشته جی آدامز.
(این کتاب تا بحال ترجمه نشده است)
- (۱۲) قبل از آنکه به صحبت بیشتری راجع به این ده مورد که در پیوست شماره ۶ واقع شده رجوع کنید، سعی کنید جواب ها را خود بدهید.
- (۱۳) در اشعیا ۹: ۶ چنین رابطه ای را مشاهده می کنیم.
- (۱۴) در مورد راجرز "Rogers" بعداً صحبت خواهم کرد.

- (۱۵) یک روانشناسی با نام جان بوستون در کتاب خود نوشته "استفاده از کلام خدا برای سنجش و درمان مسائل و مشکلات انسان مانند آن است که از کلام خدا برای حل مسائل فیزیکی و شیمی یا کشتی سازی از آن استفاده کرد". البته او اشتباه کرده و نیاز به احیای روحانی دارد تا به اشتباه خود آشنا شود. کلام خدا صرفاً برای شناخت و حل مسائل و مشکلات انسان داده شده، و تنها آن که انسان را آفرید توانایی چنین کاری را دارد.
- (۱۶) در چهار چوب کلام خدا انعطاف پذیری وجود دارد و آن را در هدایای شخص مشاور مشاهده می کنیم. هدایای خدا را در خدمت بکار می بریم.
- (۱۷) در متی ۱۱: ۱۶ تا ۱۹ (لوقا ۷: ۳۱ تا ۳۴) عیسی مسیح طریق عمل خود را با یحیی مقایسه می کند. نه رقص و نه سرودهای عزاداران را لمس کرد.
- (۱۸) و همچنین اعمال ۳: ۱۴ و ۱۵. ناترسی (اعمال ۴: ۳۱). جرأت (اعمال ۴: ۱۳).
- (۱۹) در حقیقت هر طریقی که پیش گرفته شود قالبی چون عیسی مسیح را بخود خواهد گرفت. کار روح القدس مانند شمشیر دو لبه است.
- (۲۰) تغییرات همگی آنرا ایجاد نمی شوند. مشاور مسیحی نمی تواند در انتظار کامل شدن خود بنشیند. تغییرات در راه (زندگی روزانه) انجام می گیرند. وقتی شکست می خورد، باید آن را اقرار کرده و راه صحیح را دوباره پیش کشد. در حالی که تور ماهی گیری خود را ترمیم می کند، تجربه دست آمده باعث رشد او می شود. انسان مشاور بخاطر احیا شدن خود است که اعتبار کار را بدست می آورد. چون او نیز مانند دیگر ایمانداران با مسائل و مشکلات روبرو شده و با قدرت روح القدس کلام خدا را در خود جانشین نموده، می تواند به دیگران امید بدهد. اگر مشاور مسیحی توانسته قضاوت خدا را از طریق کلامش شامل زندگی خود نماید، دیگران نیز به او اجازه خواهند داد قضاوت خدا را وارد زندگیشان کند. مدل بودن، سریع ترین راه مشاوره مسیحی است. شش سال است که ما از این طریق در استیتوی خود استفاده کرده ایم.